

خدمات تمدنی فرهنگی ایران به اسلام

دکتر فاروق صفی زاده

ادامه از شماره قبل



برای شاهان خود انجام می دادند)

این مراسم گرچه بیان گر علاقه ی آنها به علی (ع) بود، ولی امام علی (ع) نمی خواست که آنها به پیروی از سنت شاهان، شخصیت انسانی خود را خوار سازند، از این رو شدیداً آنها را از چنین روشی نهی کرد و فرمود: «سوگند به خدا! با این رفتار، زمامداران شما بهره مند نمی شوند، و شما در دنیا با این رفتار، خود را به زحمت بیهوده می اندازید که موجب خشم خدا شده و برای قیامت شما نیز مایه ی بدبختی است، آیا هیچ خردمندی، خشم خدا را به بهای مشقت و زحمت بیهوده ی خویش خریدار است؟!؟»

به این ترتیب امام علی (ع) به آن تازه مسلمانان، درس عزت نفس و بلند همتی آموخت و آنان را از برنامه های غلط طاغوتی بر حذر داشت، و سنت های بالنده ی اسلامی را به آنان آموخت، و همچنین به زمامداران آموخت که هرگز برای شکوه ظاهری خود ۲۷ به ذلت دیگران، خشنود نگردند.

این جاست که مغیره بن شعبه (سیاستمدار عرب) همواره می گفت:

كان علي عليه السلام اميل الي الموالى و الطف بهم و كان عمر اشد تباعداً منهم.

تمایل و مهربانی علی (ع) نسبت به موالی، بیشتر بود، و عمر بر عکس، به شدت از آنها دوری می کرد.

۱۲- جانبداری امامان از موالی و ایرانیان

چنان که گفتیم امام علی (ع) نسبت به ایرانیان، به خصوص بعد از اسارت آنها در زمان خلافت عمر، علاقه مند بود و با سلمان فارسی، دوستی صمیمانه داشت، پول دریافتی خود از بیت المال را در راه آزادی اسیران ایرانی، مصرف می کرد این کار شیوه ی معمول او بود، و در مورد سبک کردن بار مالیات نسبت به کشاورزان ایران، بسیار با عمر بحث می نمود و او را بر این کار متقاعد می ساخت. ۲۸

روزی امام علی (ع) یکی از غلامان خود را چندین بار صدا زد، ولی غلام پاسخ را نداد، امام از خانه بیرون آمد و غلام را در کنار در خانه دید، به او فرمود: چرا جواب مرا نمی دهی؟

او پاسخ داد: از جواب دادن به ندای تو کوتاهی کردم، زیرا

۱۱- امام علی (ع) و ایرانیان شهر انبار

شهر انبار در ساحل رود فرات از جانب مدائن به طرف شام قرار دارد ۲۴ و مردم آن قبل از فتح مدائن توسط مسلمین، ایرانی بودند و در آن جا کشاورزی می کردند، این شهر ساحلی پس از فتح ایران، تحت حکومت اسلامی در آمد و دهقانان آنجا از یوغ اسارت شاهان ساسانی آزاد شدند، و به اسلام گرویدند. گروهی از مسیحیان نیز در آن جا سکونت داشتند (و پس از اسلام مردم این شهر را ایرانیان و عرب های اطراف و مهاجر تشکیل می دادند)

در جنگ صفین که در سال ۳۶ و ۳۷ هجری در سرزمین شام (سوریه) واقع شد، دو موضوع در رابطه با شهر انبار و توجه خاص امام علی (ع) به ایرانیان مسلمان رخ داد که در نهج البلاغه آمده است، و ما هم خلاصه ی آن را در این جامی آوریم: به امام علی (ع) خبر رسید که سپاه غارت گر معاویه به این شهر، حمله کرده و به کشتار و غارت پرداخته اند، حتی خلخال (چیزی شبیه دستبند که زنان عرب به مچ پا می بستند) زن مسلمان و غیرمسلمان را از پایش در آورده و چپاول نموده اند.

این گزارش موجب شد که امام علی (ع) مردم را در مسجد کوفه جمع کرده خطبه هیجان انگیزی خواند و جریان شهر انبار را بیان کرد، و مردم را دعوت به جهاد با سپاه معاویه نمود.

یکی از فرازهای این خطبه این است:

فلو ان امرا مسلمنا مات من بعد هذا اسفا، ماكان به ملوماً، بل كان عندي جديرا.

اگر از خبر این حادثه جانگداز، مسلمانی از غصه بمیرد، سرزنش ندارد، بلکه از نظر من سزاوار است این گونه بمیرد! ۲۵

سپاه عراق همراه امام علی (ع) از شهر کوفه به سوی جبهه ی صفین حرکت کردند، در مسیر راه به شهر انبار رسیدند، کشاورزان آزاد شده ی ایرانی شهر انبار، طبق تشریفات ایران قدیم، صف کشیده بودند تا از امام علی (ع) استقبال نموده و او را بدرقه کنند، آن ها وقتی امام علی را دیدند، از مرکب های خود پیاده شده، با هلهله و شادی در پیشاپیش علی (ع) می دویدند (همانا تشریفات که ایرانیان قدیم



اطمینان دارم که مرا مجازات نمی کنی.

امام فرمود: حمد و سپاس خداوندی را که مرا به گونه ای تربیت کرد که آفریده هایش از من ایمن هستند، برو! تو را در راه خدا آزاد کردم. ۲۹

امام علی (ع) دو پیراهن در بازار خرید، یکی از آنها بهتر بود، آن را به غلامش قنبر داد، و پیراهن پست تر را خود پوشید، قنبر عرض کرد: پیراهن بهتر برای شما مناسب تر است، امام فرمود: من از خدایم حیا می کنم که لباسم بهتر از تو باشد، زیرا از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود:

البسو هم مما تلبسون، و اطعموهم مما تاكلون.

همان لباسی که خود می پوشید، به غلامان بپوشانید، و همان غذایی که خود می خورید به آنها بخورانید. ۳۰

کوتاه سخن آن که: امام علی (ع) و دیگر امامان در تربیت موالی (بردگان غیر عرب) و آزاد کردن آنها سعی بسیار داشتند.

امام علی (ع) از دسترنج خود، هزار برده خرید و آزاد کرد. ۳۱

کوچک ترین بهانه کافی بود که امامان، بردگان را آزاد سازند، مثلاً کنیزی یک شاخه گل به امام حسن (ع) داد و امام او را آزاد کرد و درباره ی امام حسین (ع) نیز چنین ماجرابی رخ داد.

در مورد امام سجاد (ع) نوشته اند: در مدینه حدود پنجاه هزار نفر یا بیشتر از موالی بودند که توسط امام سجاد (ع) آزاد شده بودند حتی آن حضرت بردگان سودانی را می خرید با این که به آنها نیاز نداشت، و پس از تعلیم و تربیت، آنها را آزاد می کرد. ۳۲

اکثراً امامان با کنیزان ازدواج می کردند و آنان را آزاد می نمودند و با آنها مانند انسان آزاد برخورد داشتند.

باید توجه داشت که حتی اگر قیمت هر برده در آن عصر، صد درهم باشد خریداری پنجاه هزار برده نیاز به پنج میلیون درهم داشت غیر از مخارج زندگی آنان (پوشاک، خوراک، بهداشت، منزل، نگهداری آنان، محل کار برای آنان و ..)

از سوی دیگر امامان از نظر سیاسی، تحت نظر و محدودیت شدید بودند، در عین حال می بینیم امامان برای خریداری بردگان و تعلیم و تربیت آنها و آزاد نمودنشان، اقدام جدی می نمودند بردگان از جمله موالی ایرانی، وقتی که نمونه عالی انسانیت را در مکتب اهل بیت (ع) می دیدند و در می یافتند که نه تنها تحقیر نمی شوند، بلکه به آنان احترام گذاشته می شود، به آیین اسلام و تشیع معتقد می شدند.

روزی امام سجاد (ع) تازیانه ای به یکی از غلامانش زد، پس از آن گریه نمود و به فرزند خود امام باقر (ع) فرمود: «نزد قبر پیامبر (ص) برو و دو رکعت نماز بخوان و بگو: خداوند! گناه علی بن الحسین (ع) را در روز قیامت ببخش، سپس به ان غلام فرمود: تو را برای خشنودی خدا آزاد کردم. ۳۳

شاگردان و خویشاوندان اهل بیت (ع) نیز با موالی این گونه رفتار می کردند.

در نیمه ی قرن اول هجری، جمعی از ایرانیان (احتمالاً) اسیر به عنوان موالی عبدالله بن عباس، شناخته می شدند، عبدالله آن ها را که دین اسلام را می پذیرفتند، آزاد می کرد، آنها به شهر قم (در ایران) آمدند و این سرزمین را برای زندگی برگزیدند. ۳۳

نتیجه این که: همان گونه که اخلاق نیک پیامبر (ص) یکی از عوامل گرایش کافران به اسلام بود، خوش رفتاری امامان اهل بیت و

شاگردان آنها با موالی، نقش مهمی در گرایش آنها به تشیع داشت.

۱۳- گرایش ایرانیان برای پذیرش اسلام

شخصی به امام صادق (ع) گفت: «مردم می گویند هر کس که عرب خالص (غلام آزاد شده ی خالص) نباشد پست است.

امام فرمود: «مولای خالص یعنی چه؟»

او گفت: «یعنی کسی که پدر و مادرش هر دو قبلاً برده بودند»

امام فرمود: «مولای خالص چه مزیتی بر دیگران دارد؟»

او گفت: «پیامبر (ص) فرمود: مولای هر قومی از خود آن ها است» پس کسی، صاحب فضیلت است که یا عرب خالص باشد، یا مولای خالص که ملحق به عرب است (بنابراین عجم در صف افراد پست می باشد)

امام صادق (ع) فرمود: آیا نشنیده ای که پیامبر (ص) فرمود:

انا ولی من لا ولی الله انا مولی کل مسلم عربیها و عجمیها

من ولی (سرپرست) کسی هستم که ولی ندارد، من ولی هر مسلمانم، خواه عرب و خواه عجم

بنابراین آیا کسی که پیامبر (ص) ولی او است، از پیامبر (ص) نیست و در پایان فرمود:

من دخل فی الاسلام رغبه خیر ممن دخل رهبه، و دخل المنافقون رهبه و الموالی دخلوا رغبه

آن که از روی میل و اشتیاق وارد اسلام می شود، بهتر از کسی است که از روی ترس وارد اسلام می گردد، و این اعراب منافق، از روی ترس، قبول اسلام کردند، ولی موالی (ایرانیان) با میل و اشتیاق وارد اسلام شدند. ۳۵

۱۴- حمایت ایرانیان از اسلام در گفتار حضرت رضا (ع)

در حضور حضرت رضا (ع) سخن از انحراف بعضی از بستگانش (مانند برادرش ابراهیم اکبر) به میان آمد (آن حضرت گویی از آسیب زدن آشنایان و نزدیکان به اسلام، به یاد حمایت بیگانگان از اسلام افتاد) سخنی به این مضمون فرمود:

ولی خداوند همواره پس از رحلت پیامبر (ص) هر روز تا زمان ما و بعد، دین اسلام را توسط عجم ها (ایرانیان) یاری فرمود و به آنها چنین توفیقی عنایت کرد، ولی این توفیق را از (بعضی از) نزدیکان پیامبرش سلب نمود، آری چنین سعادت را به غیر عرب عطا فرمود، ولی از نزدیکان پیامبر (ص) سلب کرد. ۳۶

۱۵- مردم قم و خراسان، در گفتار امام صادق (ع)

امام صادق (ع) فرمود:

اهل خراسان اعلامنا و اهل قم انصارنا و اهل کوفه اوتادنا

مردم خراسان بزرگان ما، و مردم قم، یاران ما و مردم کوفه، حامیان استوار ما هستند. ۳۷

و در سخن دیگر فرمود: «هرگاه دست خوش بلا و رنج شدید، به قم بروید و در آن جا زندگی کنید، زیرا قم پناهگاه فرزندان فاطمه (س) و محل امن و استراحت برای مومنان است. ۳۸

۱۶- طیب عجم در محضر پیامبر (ص)

در گلستان سعدی آمده است، یکی از ملوک عجم، طیبی حاذق به خدمت مصطفی (ص) فرستاد، سالی چند بار در دیار عرب بماند، کسی به تجربتی پیش او نیامد و معالجه از وی در نخواست، پیش سید انبیا شکایت برد و گله کرد که مرا برای معالجت اصحاب فرستاده اند، و در این مدت هیچ کس به من التفات نکرد، تا خدمتی که به این بنده معین است، به جا آم، رسول علیه الصلوه و السلام فرمود: که این

طایفه را طریقی است، تا اشتها غالب نشود، چیزی نخورند و هنوز اشتها باقی باشد، دست از طعام باز دارند.

حکیم گفت: این است موجب تندرستی پس زمین خدمت بیوسید و برقت. ۳۹۰

در این حکایت سخن از یک پزشک غیر عرب (ایرانی) به میان آمده که مدت طولانی برای درمان بیماری ها به حجاز رفته، ولی مشتری نداشته است، او به حضور پیامبر (ص) آمده و از مراجعه نکردن بیمار از آن حضرت پرسیده، پیامبر (ص) در پاسخ فرموده این مردم مسلمان (طبق برنامه ی اسلام) تا اشتها ی کامل به غذا ندارند، غذا نمی خورند و هنوز اشتها یشان باقی است که دست از غذا می کشند، از این رو بیمار نمی شوند
پزشک سخن آن حضرت را تصدیق نموده است.

کتاب شناسی و توضیحات

۱- علامه مجلسی در معنی «موالی» چنین گوید: «منظور از موالی آزادشدگان و فرزندان آنها، و کسانی هستند که به قبیله ای می پیوندند ولی از نظر آن قبیله نیستند، و منظور از موالی در روایات و اخبار، عجم است زیرا اعراب بر پدران ایرانیان (در فتح ایران) پیروز شدند گویا اعراب، ایرانیان را (پس از پیروزی) آزاد نمودند (از این رو به ایرانیان موالی گفته می شد) و یا این که چون ایرانیان ایمان آوردند، به امامان خود (که عرب ها بودند) پیوستند، در نتیجه موالی عرب شدند» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۴)

۲- تفسیر روح البیان، ج ۹، ص ۹۰، تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۶۱۶
۳- تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۶۱۶ در این مورد روایات متعددی در کتاب ارزشمند الغدیر، ج ۶، صص ۱۸۷ و ۱۸۸ نقل شده است.

۴- علامه مجلسی در بیان این حدیث می گوید: عربیت مورد ستایش مربوط به زبان عربی است که اعتراف به حق کند و به رسول خدا (ص) و اهل بیتش ببیوندد، گرچه او غیر از عرب باشد، و پدرانش عرب نباشند. (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۶)

۵- معانی الخبر صدوق، ص ۲۰۷
۶- الغارات، ج ۱، ص ۷۰، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳ نظیر این مطلب، در بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۳۷

۷- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۹ شبیه این روایت در کتاب فروغ کافی، جلد ۴، صص ۳۴۶ و ۳۶۱ آمده است

۸- ربیع الابرار زمخشری، مطابق نقل نفس الرحمان، ص ۳۱

۹- مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۰، سیره نبویه دحلان، ج ۲، ص ۴۸

۱۰- ربیع الابرار، زمخشری، ج ۱، ص ۷۹۶

۱۱- صحیح بخاری و صحیح مسلم و صحیح ترمذی، مطابق نقل جامع

الاصول جرزی، ج ۱۰، ص ۱۴۹

۱۲- حلیه الاولیا، ج ۱، ص ۱۸۵

۱۳- خصال باب الخمسه، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۵

۱۴- احتجاج طبرسی، ج ۱، پاورقی ص ۱۵۰

۱۵- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۹۷، محمد و یاران، ج ۳، ص ۲۱۷

مجموعه الوثائق اسسیاسیه، ص ۳۶۵ تا ۳۶۷ بحار الانوار ج ۲۲، ص ۳۶۸ از آغاز این عهدنامه فهمیده می شود که خویشاوندان سلمان، در شهر استخر فارس (سرزمین کازرون کنونی) زندگی می کنند ضمناً توجه به این نکته لازم است که متن آن عهدنامه در کتاب های مذکور، با اندکی تفاوت نقل شده که ما با توجه به همه ی جوانب، خلاصه ی آن را نقل کردیم.

۱۶- اقتباس از فروغ کافی، ج ۵، صص ۳۱۸ و ۳۱۹

۱۷- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۸

۱۸- حمرا به معنی سرخ رویان است، این کلمه را عرب در مورد

موالی (غلامان آزاد شده و غیر عرب) به کار می برد (سفیه البحار ج ۲، ص

۶۳۹) و منظور از این کلمه در حدیث فوق، ایرانیان هستند، زیرا طبق قرائن، آنها بودند که کنار منبر امام علی (ع) می نشستند، و افرادی مانند اشعث، نسبت به ایرانیان، تعصب خاص داشتند استاد شهید علامه مطهری در معنی کلمه ی حمرا می گوید: این سرخ رویان، یعنی ایرانیان، (خدمات متقابل اسلام و ایران - انتشارات صدرا، ص ۱۳۸)

۱۹- فقال علیه السلام، من هولاء الضباطره يتخلف احدهم يتقلب علی فراشه و حشایاه کالعین و بهجر هولاء للذکر اطردتهم؟ انی ان طردنه لمن الظالمین واللہ لقد سمعته یقول: لیضربنکم علی الذین عوداً کما ضربتموه علیه بده شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۲۴ سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۳۹ به نقل از کتاب الغارات)

۲۰- طبق گفته ی ابن اثیر در کتاب النهایه فروخ از فرزندان حضرت ابراهیم بود که دارای فرزندان زیاد شد و غیر عرب از نسل او به وجود آمدند (نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۲۵ باب الفاء بعد الراء) بنابراین در این حدیث، به ایرانیان نیز بشارت داده شده است و می توان گفت به قرینه واژه فرخ که واژه ی فارسی و به معنی فرخنده است، و به قرینه ی اخر حدیث (اگر ایمان به ثریا بسته باشد، که مکرر پیامبر (ص) درباره ی سلمان و قوم او فرمود) چنین فهمید که منظور از بنی فروخ، خصوص ایرانیان باشند و همچنین منظور از دو حدیث بعد (دقت کنید)

۲۱- تاریخ اصبهان، ابونعیم، ج ۱، ص ۴ و ۵۱

۲۲- همان مدرک

۲۳- تاریخ اصبهان، ابونعیم، ج ۱، ص ۶

۲۴- شهر انبار محل انبار کردن گندم و جو و حبوبات دولت ساسانی بود، از این رو به آن انبار گفتند، وقتی که اعراب مسلمان، آن را فتح کردند آن را انبار نامیدند (معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۵۷)

۲۵- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۷

۲۶- نهج البلاغه، حکمت ۳۷

۲۷-

۲۸- ربیع الابرار زمخشری، ج ۳، ص ۲۲، الخوارج و الشیعه، ص ۲۲۷

۲۹- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۹

۳۰- الغارات، ج ۱، ص ۱۰۶

۳۱- الغارات، ج ۱، ص ۹۲

۳۲- اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۳

۳۳- انوار البهیة ی محدث قمی، ۱۰۵

۳۴- البلدان یعقوبی، ص ۲۸۴ تاریخ مذهبی قم، ص ۴۴

۳۵- معانی الاخبار، صدوق، ص ۴۵۵ سفینه البحار، ج ۲ صص ۶۷۲ و

۶۷۳

۳۶- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۴ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۳۲

۳۷- بحار الانوار ج ۶۰، ص ۲۱۴

۳۸- همان مدارک، ص ۲۱۵

۳۹- کلیات سعدی، گلستان، باب ۳، ص ۱۰۰، به اهتمام محمد علی

فروغی، چاپ تهران ۱۳۶۳